

## جامعه ایران و مهاجران افغانستانی : موقعیت کارگران مهاجر افغانستانی و تبعیض های فاشیستی و شونیستی علیه آنان- ۲

فرهاد کیان

(در بخش قبل به موقعیت مهاجرین افغانستانی در ایران از نظر کمی و از نظر تقسیم بندی سنی و همچنین سهم آنها از بازار کار ایران اشاره کردیم. همچنین با توجه به شیوه و شدت استثمار به نقش کیفی که در ساختار اقتصاد ایران دارند به صورت مختصر پرداختیم).

مهاجران افغانستانی در چهار دهه گذشته تحت محدودیتها و تبعیضات شدیدی از طرف جمهوری اسلامی ایران قرار داشته و دارند. برای این که جنبه تبعیض طبقاتی آن روشن شود کافی است توجه کنیم که اکثریت قریب به اتفاق مهاجران افغانستانی (نه آناتی که وابسته به احزاب اسلامی و جهادی بوده اند) کارگر و بخشی از طبقه کارگر ایران محسوب می شوند اما این بخش از طبقه کارگر تنها می تواند در سخت ترین و پر مشقت ترین بخش بازار کار ایران اشتغال یابد، بخش هایی که به خاطر سختی و مشقت آن و پر مخاطره بودنش داوطلبان کمی دارد و خلاء آن، باید با دستمزدهای پایین و توسط کارگران مهاجر پر شود. محدودیتها علیه مهاجرین افغانستانی به گونه ای طرح شده اند که کارگران مهاجر را به حداکثر تحت فشار قرار می دهند تا شرایط را برای استثمار هر چه بیشتر آنها فراهم کنند.

اشتغال این کارگران در بسیاری از کارخانه های بزرگ صنعتی، پتروشیمی، ذوب آهن، فولاد، حمل و نقل ممنوع است. کارگران مهاجر حق اشتغال در سازمانهای دولتی و غیر دولتی را ندارند و از شرکت و پیمان کارها خواسته شده است که احتیاجات خود را در چه اول از نیروی ایرانی برآورده سازند و کارفرمایانی که این دستور را رعایت نکنند جریمه نقدی شده و یا ممکن است به زندان انداخته شوند.

کارگران مهاجر افغانستانی مطابق با مقررات وزارت تعاون و کار و رفاه اجتماعی فقط در چهار گروه شغلی می توانند به عنوان کارگر اشتغال یابند که شامل:

- ۱- کارهایی از قبیل آجر و گچ سازی همچون کار در کوره پزخانه ها
- ۲- کارهای ساختمانی و یا کارهای مربوط به آن مثل سیمان و کنکرت و موزاییک سازی، سنگ بری، حفر زمین و چاه کنی، پل و تمل سازی، معدن و حفر معدن
- ۳- کارهای مربوط به کشاورزی شامل کار در مزارع و به عنوان کارگر کشاورزی، مواظبت از حیوانات : چوپانی، دامداری و مرغداری، کار در کشتارگاه ها، چرمسازی، پوست شویی، بخش شیمیایی و سنگ بری.
- ۴- کارهای متفرقه مثل سوزاندن و امحاء زباله، باز یافت مواد شیمیایی، کود شیمیایی، تخلیه و نظافت فاضلاب و استخر و...

این ها نمایان گر آن است که چگونه سخت ترین و پر مشقت بار ترین کارها بر دوش کارگران و زحمتکشان افغانی قرار گرفته است. کارفرمایانی که مقررات تعیین شده توسط وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی نقض میکنند مبلغی معادل ۵۰ دلار در روز را باید به عنوان جریمه بپردازند و در صورت تکرار دوبرابر خواهد شد. البته این جریمه ها بیش از آنکه محدودیت بر کارفرمایان باشد بیشتر محدودیت علیه کارگران مهاجر است.

مطابق قانون کار رژیم جمهوری اسلامی، کارگران مهاجر باید دارای اجازه کار رسمی باشند و برای دریافت اجازه کار باید دارای کارت اقامت باشند تا بتوانند در یکی از شغل هایی که مورد تایید وزارت کار و رفاه اجتماعی است استخدام شوند و یا مشغول به کار شوند. علاوه بر کارت اقامت باید ۱۰ سال در ایران حضور داشته باشند و یا همسر یک مرد ایرانی باشند (اگر همسر یک زن ایرانی باشد شامل این قانون نمی شود و باید سابقه ۱۰ سال حضور در ایران را دارا باشند). و یا اینکه دارای کارت رسمی پناهنجی و برگه تاییدیه از وزارت کشور باشند. اجازه کار معمولاً یک سال اعتبار دارد و باید بعد از یک سال دوباره تمدید شود.

کارگران مهاجر افغان در ایران شامل قانون کار و بیمه اجتماعی نمی شوند و قانون حداقل دستمزد نیز برای آنها معنی ندارد همچنین به خاطر عدم بهره مندی از قانون کار و بی بهره بودن از حق درمان و قرارداد مکتوب، دستمزد حقیقی آنان عملاً کمتر از پرداختی به کارگران ایرانی در کار مشابه است. طبیعتاً کارفرمایان ترجیح می دهند که کارگران افغانستانی را استخدام کنند چون شرایط برای استثمار شدید آنها فراهم است. در همین احوال کار کارگران افغانستانی فاقد کارت اقامت بیشتر به بیگاری شباهت دارد. بسیاری از کارفرمایان فرصت طلب به علت "غیرقانونی" بودن حضور کارگران افغانستانی در ایران، از پرداخت کامل دستمزد به آنها سرباز می زنند یا به میزان بسیار کمتری به آنها دستمزد می پردازند.

(بخش عظیمی از کودکان کار در ایران را کودکان افغانستانی تشکیل می دهند که بسیاری بدون والدین خود در ایران بسر می برند و در هر صورت با والدین و یا بدون والدین مسئولیت درآمد و یا بخشی از درآمد و یا سرپرستی یک خانواده را بر عهده دارند و در پست ترین نوع کارها از جمله زباله گردی به کار واداشته می شوند و در پشت آن باندهای مافیایی استثمارگر کودکان قرار دارند. هر چند که موضوع کودکان کار بخشی از موقعیت کارگران می باشد اما به خاطر عمق و ابعاد هولناکی که به خود می گیرد این موضوع خود بحث جداگانه ای را می طلبد و به صورت جداگانه ای در قسمت های بعدی این مجموعه به آن خواهیم پرداخت).

کارگران مهاجر به دلیل وابستگی ها از جمله خانوادگی مجبورند که سفرهایی را به افغانستان داشته باشند که به این معنی است علاوه بر اینکه باید خرج زندگی در مهاجرت را بپردازند، باید برای دیدار خانواده و یا به هر دلیل دیگر مبلغ نسبتاً کلانی را به قاچاقچیان و یا ماموران مرزی بپردازند البته اگر کل داری آنها توسط ماموران مصادره نشود. اینها بخشی از واقعیت های زندگی

این قشر معین از جامعه است و نه بصورت اتفاقی بلکه تقریباً سیستماتیک بر آن ها اعمال می شود. این مسئله باعث می شود از دستمزد ناچیز آنها به علل مختلف کاسته شود و اساساً چیزی برای زندگی باقی نمی ماند.

رژیم جمهوری اسلامی همچنین برای کارگران مهاجر افغانی محدودیت تردد ایجاد کرده است. این محدودیت تردد علاوه بر اینکه عملی تبعیض گرانه، ستم گرانه و شونیستی است، بطور مشخص محدودیتی است علیه کارگران افغانی، که آنها را نه تنها به سمت شغل های خاص بلکه به سمت مناطق مشخص سوق می دهد. در عکس زیر مناطق قرمز مناطق است که مهاجرین افغان اجازه اقامت، ورود و در نتیجه امکان جستجوی کار و یا شغلی هم در آنجا ندارند.

مناطق که کارگران افغانستانی حق اشتغال با اجازه کار و یا بدون اجازه کار در آنجا را ندارند شامل ۱۵ استان می شود، این استان ها عبارتند از: آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، چهارمحال بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، مازندران، سیستان و بلوچستان، هرمزگان و همدان. حتی در مناطقی که مهاجرین افغانی اجازه رسمی اقامت دارند برای سفر به شهرهای دیگر مثل شیراز، مشهد و غیره باید رسماً اجازه تردد بگیرند. برگه های تردد معمولاً توسط فرمانداری ها و یا استانداری ها در مقابل ارائه مدارک لازم از جمله دلیل مسافرت، ارائه کارت شناسایی و مبلغ تعیین شده صادر می شوند. حتی در استان هایی که ورود مهاجرین افغانستانی ممنوع نیست مناطقی در این استانها وجود دارند که ورود مهاجرین افغانستانی بدون اجازه رسمی ممنوع است. مثلاً سه استان تهران، البرز و قم جزو استانهای ممنوعه برای مهاجران افغان نمی باشد اما منطقه خُجیر در منطقه ۱۳ شهرداری تهران برای اقامت افغانها ممنوع اعلام شده است.

مهاجرین افغانستانی که با برگه تردد به مناطق دیگر سفر می کنند طبق قوانین جمهوری اسلامی موظفند که پس از رسیدن به شهر مورد نظر، خود را به استانداری یا فرمانداری معرفی کنند تا برگه آنها مهر و امضا شود و پس از اینکه سفر به پایان رسید برگه را مجدداً تحویل دهند. این پروسه های اداری همراه با مشکلات و مکافات بسیار هم وقت می گیرد و هم این که هزینه زیادی را در بر دارد که بسیاری از مهاجرین افغانی استطاعت آن را ندارند. در چند سال پیش تبعیض ها و جدا سازی های فاشیستی جمهوری اسلامی به حدی رسید که حضور اتباع افغان را در یک پارک اصفهان ( صفا) و شهر نوشهر در شمال ایران را ممنوع کرد که با واکنش های اعتراض آمیز در سطح جامعه و بخصوص بخش فعالان اجتماعی روبرو شد.

کارگران مهاجر همچنین به خاطر ایجاد محدودیت ها و شرایط سخت زندگی در ایران نه تنها مجبورند به هر شغلی تن دهند بلکه مجبورند شغل خود را مکرراً تغییر دهند. برخی از این مهاجرین در عرض سه یا چهار سال زندگی در ایران ممکن است مجبورند شغلی را که به ۱۰ یا حتی تا ۲۰ شغل مختلف روی آورند. این در شرایطی است که کارگران مهاجر بتوانند شغلی داشته باشند. در بسیاری از موارد کارگران مهاجر حتی به آسانی نمی توانند کار پیدا کنند، یا این که اگر کاری هم داشته باشند همیشگی نیست و مجبورند که به میدان هایی که معمولاً کارگران می ایستند بروند و در انتظار بمانند تا شاید کسی آنها را برای یک و یا دو روز اجاره کند. در چنین شرایطی اگر بطور متوسط در هفته یک روز کار پیدا کنند خوش شانس بوده اند. در این گونه موارد دیده شده که کارگران محلی که کارگران مهاجر را رقیبی برای خود می دانند آنها را مورد اذیت و آزار و حتی ضرب و شتم قرار می دهند.

موقعیت اقتصادی کارگران مهاجر بعد از به اصطلاح هدف مندسازی یارانه ها که با توصیه بانک جهانی از طرف دولت احمدی نژاد به اجرا گذاشته شد و در دولت روحانی دنبال شد، ضربه دیگری خورد. اگرچه بقیه توانستند بخش کوچکی از ضربات اقتصادی را با دریافت یارانه نقدی جبران کنند اما مهاجرین افغانستانی که از یارانه نقدی بی بهره بودند مجبور بودند که رشد قیمت کالاهای حامل های انرژی را که بطور مشخصی هزینه زندگی در ایران را افزایش داد تماماً از باقیمانده دستمزد ناچیز خود بپردازند و ضربه دیگری را به دستمزد ناچیز خود متحمل شوند و با شرایط زندگی دشوارتری روبرو شوند. اما مسئله به اینجا خاتمه نمی یابد. با بحران اقتصادی که در دو سه سال اخیر گریبان اقتصاد وابسته و بیمار ایران را گرفته است بسیاری را به لایه های پایینی پرتاب کرد و در این میان طبقات تحتانی شدیدترین فشار را متحمل شدند که مهاجرین افغان از جمله آنها بودند. به دلیل فشار بیش از حد بر این تحتانی ترین قشر کارگران و زحمتکشان خصوصاً در دو، سه سال اخیر باعث شده است که خیل بزرگی از آنان ایران را ترک کنند. بر طبق گزارش های سازمان بین المللی مهاجرت و همچنین مقامات ایران و افغانستان در سال ۲۰۱۶ بیش از ۴۴۰ هزار از مهاجرین افغان ایران را ترک کرده اند، این تعداد در سال ۲۰۱۷ به ۶۱۰ هزار افزایش یافت و در سال ۲۰۱۸ به بیش از ۷۷۰ هزار نفر رسید و در چهار ماه اول سال ۲۰۱۹ این تعداد در حدود ۱۸۰ هزار نفر بوده است. یعنی از ابتدای ۲۰۱۶ تا آخر ماه آوریل سال جاری در حدود دو میلیون نفر از مهاجران افغانستانی ایران را ترک کرده اند (رجوع شود به بخش فارسی وب سایت دویچه وله - ۵ مه ۲۰۱۹). این امر نشان می دهد برعکس ادعای سران رژیم، نه تنها آنها باری بر اقتصاد ایران نبوده اند بلکه بخش مهمی از بار اقتصاد بیمار ایران را بر دوش خود حمل می کرده اند و کمر آنها را به معنای واقعی در هم شکسته است.

در بخش بعدی به رابطه کارگران مهاجر افغانستانی و بیکاری در ایران و رابطه آن با استثمار این بخش و کل طبقه کارگر ایران خواهیم پرداخت.

مبارزه برای جهانی بدون مرز ( افغانستان - ایران)

۶ اکتبر ۲۰۱۹

Web site: [www.ri-awwb.org](http://www.ri-awwb.org)

email: [awwb.pm@gmail.com](mailto:awwb.pm@gmail.com)

Facebook.com/riawwb

Related